

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

چکیده بحث گذشته (اشکالات در طهارات ثلاث)

بحث قبل از ماه رمضان به اینجا رسید که در بحث مقدمه واجب، بحث مهمی وجود دارد و آن بحث طهارات ثلاث است، که در طهارات ثلاث اشکال مهمی وجود دارد که این اشکال تقریباً به چند اشکال اصلی منحل می‌شود.

اشکال این بود که در طهارات ثلاث هم بر حسب روایات و هم بر حسب فتاوا، بلاشکال مکلف باید با قصد قربت انجام دهد و عنوان عبادی دارد و بعنوان قصد قربت اگر انجام شود مقدمیت دارد و اگر بدون قصد قربت باشد فایده‌ای ندارد. وضو، غسل و تیمم بدون قصد قربت، عنوان مقدمیت ندارند. هم بر حسب روایات و هم بر حسب فتاوا این مسلم است.

آنگاه اشکال اینگونه تولید می‌شد که طهارات ثلاث با آنکه عنوان مقدمیت دارند و مقدمه عنوان واجب غیری دارد و واجبات غیری و اوامر غیری همه عنوان توصیلی دارند، و واجب توصیلی یعنی واجبی که برای امتثال آن نیاز به قصد قربت نداریم، چگونه در طهارات ثلاث با آنکه عنوان واجب توصیلی دارند و دارای امری غیری است، ما نیاز به قصد قربت داریم؟ این یک اشکال.

اشکال دوم این بود که مرحوم آخوند فرمودند یکی از فرق‌های واجب غیری و واجب نفسی این است که در واجب نفسی بر موافقت و مخالفت، ثواب و عقاب مترتب می‌شود. این قانون کلی است که علم اصول آن را ثابت می‌کند. بر موافقت واجب نفسی، ثواب و بر مخالفت واجب نفسی، عقاب مترتب می‌شود. در حالی که بر موافقت واجب غیری، ثواب و بر مخالفت واجب غیری، عقاب مستقلی مترتب نمی‌شود.

این یکی از فرق‌های مهم بین واجب نفسی و واجب غیری بود.

آنگاه اشکال این بود که در طهارات ثلاث با اینکه عنوان واجب غیری دارد، چرا بر موافقت آن ثواب مترتب می‌شود؟ کسی که وضو می‌گیرد و نماز می‌خواند بر خود وضو یک ثواب مستقل مترتب است و بر خود نماز هم یک ثواب مستقل مترتب است. این هم اشکال دوم بود.

اشکال سومی هم بود که بعنوان اشکال دور که مرحوم شیخ انصاری، دور را نسبت به مقام امتثال بیان می‌کردند، اما مرحوم نائینی دور را نسبت به مقام جعل ذکر کردند.

اینها را مفصلاً توضیح داده‌ایم و فقط اجمالی از بحث‌های گذشته را عرض می‌کنم تا یادآوری شود تا وارد بحث شویم، که اگر

این دو بیان را بعنوان دو اشکال ذکر کنیم، نتیجه در طهارات ثلاث چهار اشکال مطرح است. اگر این دو بیان را یعنی بیان شیخ و نائینی را بعنوان یک اشکال ذکر کنیم، نتیجه در بحث طهارات ثلاث سه اشکال مطرح است.

پاسخ اشکالات

برای حل این اشکالات عرض کردیم جواب‌های مختلفی داده شده است.

پاسخ اول مرحوم آخوند از اشکالات طهارات ثلاث

یک جواب را مرحوم آخوند در کفایه به تبع مرحوم شیخ انصاری در کتاب تقریرات ذکر کرده و اختیار کرده‌اند و بسیاری همین جواب را تبعیت کرده‌اند و آن این است که در طهارات ثلاث دو عنوان وجود دارد. طهارات ثلاث علاوه بر اینکه دارای امر غیری هستند و عنوان واجب غیری را دارند یک عنوان دیگری هم دارند، آنها استحباب نفسی دارند. یعنی وضو یا غسل با قطع نظر از اینکه مقدمه برای صلاة است خودش استحباب نفسی دارد.

آنگاه مرحوم آخوند و مرحوم شیخ می‌فرمودند عبادیت آنها و مسأله ثواب، همه ناشی از استحباب نفسی می‌شود. اشکال در صورتی وارد بود که ثواب و عبادیت را از راه امر غیری بدست آوریم. اما اگر گفتیم امر غیری در طهارات ثلاث دخالتی ندارد، هم مسأله عبادیت و هم مسأله ثواب از جهت دیگر افعال است و آن استحباب نفسی آنهاست، مشکل حل می‌شود، حتی مشکل دوری که مرحوم شیخ بیان فرمودند هم حل می‌شود.

این نظریه مرحوم آخوند است که در طهارات ثلاث قائل شویم که آنها واجبات غیری‌ای هستند که استحباب نفسی دارند.

عرض کردیم سه اشکال در کلام مرحوم شیخ انصاری بر این بیان وارد شده که آن سه اشکال در کلمات مرحوم نائینی هم ذکر شده منتها با بحث‌های مفصل‌تری که ذکر کردیم.

یکی از بحث‌های مهم این بود که ملاک در باب تبدیل احکام چیست؟ اگر فعلی عنوان استحباب دارد مانند نماز شب، اگر نذر کردیم، آیا عنوان واجب پیدا می‌کند یا نه؟ بعد از اینکه عنوان واجب پیدا کرد، آیا عنوان استحباب قبلی را از دست می‌دهد یا نه؟ یک بحث بسیار مهمی است که عنوان آن هم ملاک تبدیل احکام است. این بحث را هم مطرح کردیم و این قسمت قبلاً تمام شد.

تا اینجا در مورد جواب از این عویصه و اشکالاتی که در طهارات ثلاث است، فقط جواب آخوند را ذکر کردیم و اشکالاتی که بر این جواب مترتب بود را بررسی کردیم. عرض کردیم یکی از اشکالات مهم این است که طبق نظریه مرحوم آخوند، باید بگوییم تیمم، استحباب نفسی دارد. گفتیم در وضو و غسل، استحباب نفسی روشن است، دلیل داریم «الوضو علی وضو، نور علی نور»؛ روایات زیادی داریم که امر به طهارت می‌کند بنحو مطلق، چه بخواهیم قرآن بخوانیم یا وارد نماز شویم و یا این اعمال را بخواهیم انجام دهیم.

اما در باب تیمم، بعد از بررسی ادله گفتیم استفاده این معنا که بگوییم تیمم، استحباب نفسی دارد، مشکل است. و لو اینکه اگر بعضی از ادله را کنار هم قرار دهیم، می‌توانیم صغرا و کبرایی درست کنیم و به این نتیجه برسیم که تیمم هم استحباب نفسی دارد، اما اثبات این معنا بسیار مشکل است و تا بحال ندیدیم که فقیهی از فقهاء گذشته، نسبت به این معنا فتوا داده باشد که تیمم، استحباب نفسی دارد. فقط در بین متأخرین؛ مرحوم محقق خویی در مباحث اصول فرموده‌اند می‌توانیم از ادله استفاده کنیم که تیمم هم استحباب نفسی دارد.

بنابراین این جواب مرحوم آخوند اشکالاتی داشت از جمله همین اشکال.

مرحوم آخوند در کفایه بعد از اینکه جوابی که مورد نظر خودشان است را می‌پذیرند می‌فرمایند: «و قد تفصی عن الاشکال بوجهین آخرین»؛ دو جواب دیگر برای تخلف از این اشکال ذکر شده، اما نمی‌گویند این دو جواب کجا ذکر شده و چه کسی ذکر کرده. این دو جواب در عبارات مرحوم شیخ انصاری در کتاب مطارح الانتظار، صفحه 71 مطرح شده است.

لکن هر دو جوابی که مرحوم آخوند از شیخ نقل می‌کند، به حسب ظاهر تمام مطالبی که شیخ بیان فرموده را در کفایه ذکر نکرده و حتی بعضی خواسته‌اند بگویند این جواب دومی که در این دو راه ذکر می‌کند و به شیخ نسبت داده، شیخ چیز دیگری می‌گوید، و مراد مرحوم شیخ آن چیزی نیست که مرحوم آخوند گفته است.

بنابراین ما باید هم مطلبی که در کفایه آمده را ذکر کنیم و هم تفصیل مطلب را از کتاب مطارح بیان کنیم تا مطلب روشن شود.

پاسخ دوم مرحوم آخوند از اشکالات طهارات ثلاث

مرحوم آخوند در کفایه می‌فرماید جواب دیگری که از این اشکال داده شده این است: عناوینی که داریم دو نوع است: بعضی از عناوین، غیر قصدی هستند، یعنی برای تحقق آن عنوان، نیازمند به قصد آن عنوان نیستیم. عنوان زدن، کسی که دیگری را می‌زند، این زدن و ضرب، عنوان قصدی نیست، ضرب، عنوانی است که تحقق پیدا می‌کند، چه شما قصد این عنوان را داشته باشید یا نداشته باشید.

اما بعضی عناوین داریم که از عناوین قصدیه هستند، مانند تعظیم، کسی که قیام می‌کند و می‌ایستد، اگر به قصد تعظیم باشد تعظیم محقق می‌شود، اما اگر بعنوان تعظیم نباشد تعظیم محقق نمی‌شود. یا عنوان نماز، کسی که می‌ایستد و رکوع و سجده می‌کند، اگر قصد صلاة کند این عمل او صلاة می‌شود، اما اگر قصد صلاة نکند عمل او عنوان صلاة ندارد.

حال که روشن شد عناوین بر دو قسم هستند؛ عناوین قصدیه و غیر قصدیه، می‌گوییم در عناوین قصدیه، گاهی اوقات آن عنوان برای ما معلوم است و گاهی آن عنوان برای ما مجهول است. یعنی عناوین قصدیه، دو نوع داریم، یک عنوان قصدی معلوم، و یک عنوان قصدی مجهول.

مرحوم آخوند می‌فرماید مرحوم شیخ می‌گوید در طهارات ثلاث در خود این اعمال، یک عنوان لازم القصد وجود دارد. در وضو یک عنوانی وجود دارد که باید آن عنوان را قصد کنیم. یا در غسل عنوانی وجود دارد که باید آن عنوان را قصد کرد، اما اگر از ما بپرسند آن عنوان چیست؟ می‌گوییم نمی‌دانیم. اگر از شیخ انصاری سوال کنید آن عنوانی که در ذات وضو، غسل و تیمم وجود دارد چیست؟ می‌گوید نمی‌دانیم. عنوان لازم القصد است، اما مجهول است.

مرحوم شیخ می‌گوید در این افعال باید آن عنوان را قصد کنیم، لکن چون این عنوان برای ما مجهول است، از راه قصد امر غیری در حقیقت آن عنوان مجهول را قصد می‌کنیم.

شیخ می‌فرماید در طهارات ثلاث، امر غیری که دارند، لکن قصد امر غیری طریقت دارد. برای اینکه اگر گفتیم وضو را انجام می‌دهیم به قصد امر غیری، به قصد اینکه واجب غیری است، این قصد امر غیری طریقت است برای اینکه در حقیقت، عنوانی در ذات وضو وجود دارد و لازم القصد است را قصد کرده باشیم. آن عنوان برای ما مجهول است و اگر از اول عنوانی که در ذات وضو است برای ما معلوم بود همان را قصد می‌کردیم و می‌گفتیم وضو می‌گیریم برای آن عنوانی که در آن وجود دارد، اما

اکنون برای ما مجهول است.

حال که مجهول است قصد امر متعلق به وضو یا غسل که امر مقدمی غیر است، قصد این امر برای اینکه آن عنوان لازم القصد موجود در ذات طهارات ثلاث را قصد کنیم، به تعبیر دیگر می‌گویند قصد امر غیر مرآة است، مرآة برای عنوان مجهول است.

نتیجه این است که شیخ می‌خواهد بفرماید مسأله عبادیت از راه امر غیر نیامد تا شما بگویید امر غیر امر عبادی نیست و نیاز به قصد قربت ندارد بلکه عبادیت از ناحیه‌ی عنوانی است که در ذات وضو وجود دارد و آن عنوان قصدی است که برای شما مجهول است. اما دست شما به آن عنوان نمی‌رسد برای اینکه آن عنوان را قصد کنید، امر غیر را قصد می‌کنید. این خلاصه آنچه مرحوم آخوند از قول شیخ نقل می‌کند.

بیان مرحوم شیخ در مطارح

اما وقتی به کتاب مطارح مراجعه کنیم، اضافاتی هم در مطالب مرحوم شیخ وجود دارد. ایشان اول می‌فرمایند بین مقدمه‌ای که عنوان مقدمه‌ی عبادی دارد با مقدمه‌ای که عنوان عبادی ندارد فرق وجود دارد. در همه مقدمات، چه عبادی و چه غیر عبادی، برای ما یک علمی وجود دارد. علم آن این است که علم به ارتباط ذی المقدمه با مقدمه داریم.

در همه مقدمات و در همه افعال ما چنین علمی داریم که بین ذی المقدمه و مقدمه ارتباط وجود دارد. اما در مقدمات عبادی علاوه بر علم به ارتباط بین ذی المقدمه و مقدمه، چیز دیگری هم وجود دارد و آن این است که باید این مقدمه طوری ایجاد شود که ذی المقدمه در واقع بر آن ترتب دارد.

یعنی مقدمه را باید طوری بیاوریم که آن ترتب واقعی ذی المقدمه بر مقدمه محقق شود.

خداوند نماز را بر وضو متوقف کرده، اما نه فقط بر این غسلات و مسحات، اگر بپرسیم این نماز که بر وضو متوقف است آیا مجرد همین ارتباط بین حرکات وضویی و حرکات صلاتی است؟ می‌گوییم نه. علاوه بر این چیز دیگری هم است. می‌گوییم شارع این را بنحوی مقدمه قرار داده، که آن صلاتی که ذی المقدمه است اگر بخواهد ایجاد شود باید مقدمه‌اش به آن نحو باشد. این در مقدمات عبادی.

آنگاه شیخ می‌فرمایند نتیجه می‌گیریم که شارع به مقدمه امری کرده و ما باید به قصد امر انجام دهیم و لا نعنی من القربة إلا ذلک. اینکه می‌گوییم وضو، غسل و تیمم قصد قربت می‌خواهند، یعنی مقدمه را به قصد امر آن انجام دهیم. مرحوم شیخ اول این مطلب را گفته، بعد فرموده «و توضیحه»؛ توضیحی ارائه کرده است.

در توضیح مطلب، مرحوم شیخ گفته سه نوع افعال داریم؛ یک نوع از افعال که حسن آن عقلا برای ما روشن است، یک نوع از افعال که قبح آن عقلا برای ما روشن است و نوع سوم، افعالی که علم به حسن و قبح آنها نداریم.

افعالی که حسن و قبح عقلی آنها روشن است، دارای احکام عقلی هستند، فعلا و ترکاً. اما افعالی که حسن آنها برای ما روشن نیست، علم به حسن آن افعال نداریم و فقط ما هستیم و امر شارع. شارع حکم به وضو کرده، یک مقدمه‌ای هم ضمیمه می‌کنیم که یقین داریم شارع به چیزی امر نمی‌کند، إلا اینکه آن چیز حسن داشته باشد. می‌گوییم از راه این امر شارع کشف از این می‌کنیم که در طهارات ثلاث حسنی وجود دارد، در آن یک عنوانی است که اگر آن را قصد نکنیم ذی المقدمه محقق نمی‌شود،

باید آن عنوان قصد شود.

نتیجه‌ای که مرحوم شیخ می‌گیرند و آن را در اینجا تصریح دارند، شیخ می‌فرماید: «فنحن لا ندعى فى الطهارات أن الامر المقدمى فيها يقضى بالتعبدية»، ما ادعا نمی‌کنیم در طهارات ثلاث امر غیرى و امر مقدمى اقتضاء تعبدیت دارد، «حتى يقال بفساده قطعاً»، تا این اشکالات را شما مطرح کنید. «بل نقول إن ذلك»، یعنی این تعبدیت، «إنما هو من قبل نفس المقدمة»، نه امر متعلق به مقدمه، این عبادیت در طهارات ثلاث از ناحیه خود مقدمه آمده است. «حيث انها لا يعرف وجه التوقف فيها»؛ ما نمی‌دانیم ملاک در توقف ذی المقدمه بر مقدمه چیست.

این نمی‌دانیم همان بود که از آن تعبیر به عنوان قصدی مجهول کردیم. ما می‌دانیم در وضو عنوانی وجود دارد که به جهت آن عنوان، نماز بر آن توقف دارد اما آن عنوان را نمی‌دانیم چیست. «حيث انها لا يعرف وجه التوقف فيها»، حال که نمی‌دانیم، امر غیرى را قصد می‌کنیم و قصد امیر غیرى، طریق و مرآة است برای رسیدن به قصد آن عنوان مجهول، عنوانی که ذی المقدمه بخاطر آن عنوان، توقف بر این مقدمه دارد.

این بیان مرحوم شیخ است و ملاحظه کردید که اضافاتی در آن وجود دارد.

بعد مرحوم شیخ می‌فرمایند «كذا أفيد»، این جواب برای ما نیست. و بعد یک نقضی هم آورده است. «و لكنّه منقوض بجملة من المقدمات الشرعية التى لا نعرف وجه التوقف فيها»؛ نقض و توضیح نقض و دو جوابی که مرحوم آخوند در کفایه دارد را ببینید که فردا عرض می‌کنیم.

خصوصاً مطلب خیلی مهم‌تر، جواب دومى است که مرحوم شیخ در وجهین، یعنی وجه دَوّم بیان کرده است. عبارت مرحوم آخوند را با دقت ببینید. عبارت جواب سَوّم در مطارح را هم ببینید که آیا این وجه دَوّم، همان جواب سَوّم شیخ است یا غیر از آن است، که بعضی ادعا کرده‌اند.

وصلّى الله على محمد و آله الطاهرين